85108 ـ حکم پذیرش هدیهٔ کفار در اعیاد آنان

سوال

همسایه‌ام یک زن مسیحی آمریکایی است... او و خانواده‌اش به مناسبت کریسمس به من هدیه داده‌اند و من نمی‌توانم این هدایا را رد کنم تا از من دلخور و خشمگین نشوند! آیا می‌توانم این هدایا را بپذیرم، همان‌طور که پیامبر علیه الصلاة والسلام هدایای کفار را پذیرفتند؟

خلاصه‌ی پاسخ

پذیرش هدیهٔ کفار در عیدهایشان با چند شرط جایز است:
۱ـ هدیه از گوشت حیوانی نباشد که به مناسبت آن عید ذبح شده است.
۲ـ از چیزهایی نباشد که در شبیه‌سازی به آن‌ها در روز عیدشان به کار می‌رود؛ مانند شمع، تخم مرغ، شاخهٔ درخت خرما و امثال آن.
۳ـ این کار با تبیین عقیدهٔ ولاء و براء برای فرزندانتان همراه باشد تا دوستی این عید یا دلبستگی به هدیه‌دهنده در دل آن‌ها ریشه ندواند.
۴- پذیرش هدیه با قصد جذب آن‌ها به اسلام (تألیف قلب) باشد، نه از روی محبت و مودت.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

حکم پذیرش هدیه از کافر

اصل بر جواز پذیرش هدیه از کافر است تا دل او به دست آید و به اسلام ترغیب شود؛ همان‌گونه که پیامبر ﷺ هدیهٔ برخی از کفار مانند مقوقس و دیگران را پذیرفتند.

بخاری در صحیح خود بابی را با عنوان «پذیرش هدیه از مشرکان» آورده و می‌گوید: ابوهریره از پیامبر ﷺ روایت کرده که «ابراهیم علیه السلام با ساره هجرت کرد و وارد آبادی‌ای شد که در آن پادشاهی ستمگر بود، پس آن پادشاه گفت: هاجر را به او بدهید». و نیز گوسفندی که در آن زهر بود به پیامبر ﷺ هدیه داده شد. و ابوحمید گفته است: پادشاه اَیلَه قاطری سفید به پیامبر ﷺ هدیه داد و به ایشان بُرد (نوعی لباس فاخر) پوشاند و برایشان دربارهٔ سرزمین ساحلی‌شان [امان‌نامه] نوشت.

بخاری داستان آن زن یهودی و هدیه دادن گوسفند زهرآلود به پیامبر ﷺ را ذکر کرده است.

حکم هدیه دادن مسلمان به کافر

برای مسلمان جایز است به کافر و مشرک با قصد تألیف قلب و ترغیب به اسلام هدیه بدهد، به‌ویژه اگر خویشاوند یا همسایه باشد. عمر رضی الله عنه به برادر مشرک خود در مکه لباسی هدیه داد. (بخاری: ۲۶۱۹).

اما جایز نیست که مسلمان در روز عیدِ کفار به آن‌ها هدیه بدهد؛ زیرا این کار به معنای تأیید و مشارکت در جشن گرفتن آن عید باطل است. اگر هدیه از مواردی باشد که در برگزاری جشن به کار می‌رود (مانند غذا و شمع)، تحریم آن شدیدتر است، تا جایی که برخی علما آن را کفر دانسته‌اند.

زیلعی در «تبیین الحقائق» (۶/۲۲۸) که از کتب فقهی احناف است می‌گوید: «هدیه دادن به نام نوروز و مهرگان جایز نیست؛ یعنی هدیه به نام این دو روز حرام بلکه کفر است. ابوحفص کبیر رحمه الله می‌گوید: اگر مردی پنجاه سال الله را عبادت کند و سپس روز نوروز بیاید و او به نیت بزرگداشت آن روز به یکی از مشرکان تخم‌مرغی هدیه بدهد، کافر شده و اعمالش نابود گشته است. صاحب جامع الاصغر می‌گوید: اگر روز نوروز به مسلمان دیگری هدیه بدهد و قصدش بزرگداشت آن روز نباشد بلکه طبق عادت مردم باشد، کافر نمی‌شود؛ اما شایسته است این کار را دقیقاً در آن روز انجام ندهد و قبل یا بعد از آن انجام دهد تا شبیه آن قوم نشود، چرا که رسول الله ﷺ فرمودند: هر کس خود را شبیه گروهی کند از آنان است. و در الجامع الأصغر آمده است: مردی که در روز نوروز چیزی بخرد که پیش از آن نمی‌خریده است، اگر هدفش از این کار بزرگداشت آن روز باشد ـ همان‌طور که مشرکان آن را بزرگ می‌دارند ـ کافر شده است؛ و اگر هدفش خوردن و نوشیدن و خوش‌گذرانی باشد، کافر نمی‌شود».

و در «التاج والإکلیل» (که مالکی است) (۴/۳۱۹) آمده است: «ابن قاسم ناپسند دانسته است که به عنوان تلافی، در روز عید مسیحی به او هدیه داده شود؛ و مانند آن، دادن برگ خرما به یهودی برای عیدش است».

و در «الإقناع» از کتاب‌های حنابله آمده است: «حضور در عید یهود و نصاری، و فروش [کالاهای مربوط به آن عید] به آنان در آن روز، و هدیه دادن به آنان برای عیدشان حرام است».

بلکه برای مسلمان جایز نیست که به خاطر این عید به مسلمان دیگری هدیه بدهد، همان‌طور که در سخن حنفی‌ها گذشت. و شیخ الاسلام رحمه الله می‌گوید: «هر کس در این اعیاد به مسلمانان هدیه‌ای بدهد که با عادت او در دیگر زمان‌ها غیر از این عید متفاوت باشد، هدیه‌اش پذیرفته نمی‌شود؛ به‌ویژه اگر آن هدیه از چیزهایی باشد که برای شبیه شدن به آنان از آن کمک گرفته می‌شود، مانند هدیه دادن شمع و مانند آن در عید میلاد، یا هدیه دادن تخم‌مرغ و شیر و گوسفند در خمیس صغیر (پنجشنبهٔ کوچک یا پنجشنبهٔ عهد یا پنجشنبهٔ مقدس) که در پایان روزه‌داری‌شان است. و همچنین در این اعیاد به هیچ‌یک از

مسلمانان به خاطر این عید هدیه‌ای داده نمی‌شود، به‌خصوص اگر از چیزهایی باشد که برای شبیه شدن به آنان از آن کمک گرفته می‌شود، همان‌طور که ذکر کردیم». «اقتضاء الصراط المستقیم» (۱/۲۲۷).

حکم پذیرش هدیهٔ کفار در اعیاد آنان

اما پذیرفتن هدیه از کافر در روز عیدش اشکالی ندارد و این کار، مشارکت در جشن یا تأیید آن به شمار نمی‌رود؛ بلکه این هدیه از باب نیکی کردن و با هدف به‌دست‌آوردن دل و دعوت به اسلام دریافت می‌شود. و الله تعالی نیکی کردن و عدالت ورزیدن با کافری را که با مسلمانان نجنگیده مباح دانسته و فرموده است: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ [ممتحنه: ۸] (الله شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نرانده‌اند، از اینکه به آنان نیکی کنید و با آنان به عدالت رفتار نمایید، بازنمی‌دارد؛ همانا الله دادگران را دوست دارد).

اما نیکی و دادگری به معنای دوستی و محبت نیست؛ چرا که محبت به کافر و دوستی با او، و نیز برگزیدن او به عنوان دوست صمیمی یا همراه جایز نیست؛ به دلیل فرمودهٔ الله تعالی: لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ [مجادله: ۲۲] (گروهی را نمی‌یابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند، [ولی] با کسانی که با الله و پیامبرش دشمنی ورزیده‌اند دوستی کنند، هرچند پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند؛ آنانند که [الله] در دل‌هایشان ایمان را پایدار ساخته و با روحی از جانب خود استوارشان کرده است و آنان را به باغ‌هایی [از بهشت] درمی‌آورد که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، جاودانه در آن می‌مانند؛ الله از آنان خشنود شده و آنان [نیز] از او خشنود شده‌اند؛ آنان حزب الله هستند؛ آگاه باشید که حزب الله همان رستگارانند).

و همچنین می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ [ممتحنه: ۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی مگیرید که با آنان پیوند دوستی برقرار کنید، در حالی که آنان به آنچه از حق برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند).

و فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ [آل عمران: ۱۱۸] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان همراز و دوست صمیمی مگیرید؛ آنان از هیچ تباهی و فسادی دربارهٔ شما کوتاهی نمی‌کنند؛ دوست دارند که شما در رنج و مشقت بیفتید؛ به راستی که دشمنی از سخنانشان آشکار شده است و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد بزرگتر است؛ اگر بیندیشید، ما نشانه‌ها را برای شما روشن ساخته‌ایم).

و می‌فرماید: وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ [هود: ۱۱۳] (و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل نشوید و تکیه نکنید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و برای شما در برابر الله هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی‌شوید).

و فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ [مائده: ۵۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید؛ آنان دوستان یکدیگرند؛ و هر کس از شما با آنان دوستی کند، پس بی‌گمان او از آنان است؛ همانا الله گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند)؛ و دیگر دلایلی که بر تحریم دوستی صمیمانه با کافر یا محبت به او دلالت دارند.

شیخ‌الاسلام ابن‌تیمیه رحمه الله می‌گوید: «اما پذیرفتن هدیه از آنان در روز عیدشان، پیش‌تر از علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه روایت کردیم که هدیهٔ نوروز را برایش آوردند و او آن را پذیرفت.

و ابن ابی‌شیبه روایت کرده است... که زنی از عائشه پرسید و گفت: ما دایگانی [جمع دایه، یعنی شیرده] از مجوس داریم و آنان عیدی دارند که در آن به ما هدیه می‌دهند؛ عائشه گفت: اما آنچه برای آن روز ذبح شده است را نخورید، ولی از [میوهٔ] درختانشان بخورید.

و از ابوبرزه روایت است که او همسایگانی مجوس داشت که در نوروز و مهرگان به او هدیه می‌دادند، و او به خانواده‌اش می‌گفت: آنچه از میوه‌هاست را بخورید و آنچه غیر از آن است را پس بفرستید.

پس همهٔ این‌ها دلالت بر آن دارد که عید، تأثیری در منع پذیرش هدیهٔ آنان ندارد، بلکه حکم هدیه در عید و غیر عید یکسان است؛ زیرا در این کار، کمکی به آنان بر شعائر کفرشان نیست...».

سپس ایشان رحمه الله هشدار داده‌اند که ذبیحهٔ اهل کتاب هرچند حلال است، اما آنچه به خاطر عیدشان ذبح کرده‌اند، خوردنش جایز نیست. ایشان رحمه الله می‌گوید: «تنها زمانی خوردن از طعام اهل کتاب در عیدشان، از طریق خرید یا هدیه یا غیر آن جایز است که آن را برای عید ذبح نکرده باشند. اما ذبایح مجوس، حکمشان روشن است و نزد عموم [علما] حرام است؛ و اما آنچه اهل کتاب برای اعیادشان ذبح می‌کنند و آنچه با ذبحش به غیر الله تقرب می‌جویند، همانند مسلمانان که هدایا [قربانی حج] و ضحایای [قربانی عید] خود را برای تقرب به الله تعالی ذبح می‌کنند ـ مانند آنچه برای مسیح و زهره ذبح می‌نمایند ـ از احمد دربارهٔ آن دو روایت است؛ که مشهورترین آن‌ها در نصوص او این است که خوردنش مباح نیست، هرچند نام غیر الله را بر آن نبرده باشند، و نهی از این کار از عایشه و عبدالله بن عمر نیز نقل شده است...». «اقتضاء الصراط المستقیم» (۱/۲۵۱).

شروط پذیرش هدیهٔ کفار در اعیادشان

خلاصهٔ سخن اینکه پذیرفتن هدیه از همسایهٔ مسیحی‌ات در روز عیدشان برای تو جایز است، اما با چند شرط:

- این هدیه از ذبیحه‌ای نباشد که به خاطر عید ذبح شده است.
- از چیزهایی نباشد که برای شبیه شدن به آنان در روز عیدشان از آن کمک گرفته می‌شود، مانند شمع، تخم‌مرغ، برگ خرما و مانند آن. (یعنی نمادهای آن عید).
- این کار با شرح و تبیین عقیدهٔ ولاء و براء برای فرزندانت همراه باشد، تا دوست داشتن این عید یا دلبستگی به هدیه‌دهنده در دل‌هایشان ریشه ندواند.
- پذیرفتن هدیه با هدف به‌دست‌آوردن دل او و دعوتش به اسلام باشد، نه از روی محبت یا دوستی.

و در صورتی که هدیه از چیزهایی باشد که پذیرفتنش جایز نیست، شایسته است که رد کردن آن با توضیح و بیان علت همراه باشد؛ مثلاً به او گفته شود: ما هدیه‌ات را نپذیرفتیم چون ذبیحه‌ای است که برای عید ذبح شده و خوردن آن برای ما حلال نیست، یا اینکه این چیزها را تنها کسی می‌پذیرد که در جشن شرکت کند در حالی که ما این عید را جشن نمی‌گیریم؛ زیرا در دین ما مشروع نیست و باورهایی را در بر دارد که نزد ما درست نیست، و سخنانی مانند این‌ها که راهی برای دعوت آنان به اسلام و بیان خطر کفری باشد که بر آن هستند.

مسلمان باید به دین خود ببالد و احکامش را اجرا کند و از روی حیا یا تعارف با هیچ‌کس، از آن کوتاهی نکند؛ چرا که الله سزاوارتر است که از او شرم شود.

برای بهره‌مندی بیشتر، این پاسخ‌ها را ببینید: (145950، 106668، 7876، 947).

و الله أعلم.